

یادگیری و عوامل مؤثر در آن (۲)

• علیرضا عصاره

• مقدمه

در شماره قبل در مورد یادگیری، و مکانیسمهای مربوط به یادگیری و نظرات مکانب و مربیان مختلف بحث به عمل آمد و طی آن دیدگاههای مهم مکانبی چون رفتارگرایی و شناختی ارائه گردید، در ادامه بحث گذشته و در این شماره به عواملی که در روند یادگیری و تسهیل و تسریع آن مؤثرند اشاره می شود.

• عوامل مؤثر در یادگیری

۱- آمادگی

بعضی از دانشمندان چون ثوراندایک آمادگی را شرط اساسی یادگیری می دانند. منظور از آمادگی دارا بودن رشد و استعداد کافی در زمینه های مختلف بدنی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی می باشد.

ژان پیازه ضمن بررسی روند ادراک عقلی افراد در تقسیم بندی مراحل چهارگانه فرایند ذهنی مرحله سنی (۷-۱۱) سالگی را مرحله عملکردهای ذهنی نامگذاری نمود، طبق تحقیقات پیازه فراگیر در شروع هفت سالگی آمادگی ذهنی لازم را برای فراگیری خواندن، نوشتن و حساب کردن به شکل رسمی دارا می باشد. البته فراگیران قبل از این سن نیز قادرند بعضی از آموزش ما را کسب نمایند. اما این آموزشها باید به شکل غیررسمی و از طریق آموزشهای پیش دبستانی چون بازی و سرود باشد، در حقیقت از نظر پیازه فراگیر درک مفهوم عدد، نگهداری ذهنی، برگشت پذیری و بسیاری از خصوصیات که ذهن او را آماده فراگیری می نماید در پایان مرحله پیش عملکردی یعنی پایان ۶ سالگی بدست می آورد. البته آمادگی ذهنی تنها یکی از مراحل آمادگی فرد برای یادگیری می باشد. همچنانکه، می دانیم آمادگی جسمی، عاطفی و اجتماعی نیز از جمله موارد لازم دیگر در فرایند یادگیری به حساب می آیند.

فردی که از نظر جسمی و در بُعد اعصاب و عضلات رشد ننموده است و یا سلامتی کامل ندارد قادر نیست در جریان یادگیری حضوری فعال داشته باشد، و یا چنانچه فراگیر از نظر تمایلات و زمینه های عاطفی رشد لازم را کسب، ننموده باشد، و یا در بُعد اجتماعی دچار مشکل بوده

وقادر نباشد با محیط خود سازگاری اجتماعی به عمل آورد نمی تواند در جریان یادگیری به شکل مؤثر حضور یابد. بعضی از مربیان تعلیم و تربیت همچون دیویی رسالت تعلیم و تربیت را اساساً هدایت رشد فرد می شناسد، در حقیقت تعلیم و تربیت در نظر آنها وظیفه دارد رشد فرد را متناسب با زمینه های اجتماعی، عقلی، عاطفی و جسمی هدایت کند. بنابراین مربی در هنگام شروع کار یاددهی باید آمادگی افراد را مورد توجه قرار دهد و در هنگام شروع، فعالیت، آماده بودن فراگیران را از جنبه های مختلف مورد نظر قرار دهد. مربی باید آمادگی هریک از شاگردان را در تدریس مواءم درسی در نظر داشته و تعلیمات خود را متناسب با سطح آمادگی آنها فراهم نماید. مربی باید بداند که آمادگی فراگیر، در زمینه های مختلف متفاوت می باشد. بچه ای ممکن است از لحاظ بدنی آماده برای فرا گرفتن امری باشد ولی از لحاظ عقلانی آمادگی درک مطلبی را نداشته باشد. همچنین فراگیر ممکن است برای درک مطلبی از نظر ذهنی آمادگی لازم را داشته باشد. اما به لحاظ عاطفی فاقد احساس رغبت نسبت به امر مورد نظر باشد. همچنین رشد و آمادگی عقلانی در رشته ها و دروس مختلف نیز تفاوت دارد. مثلاً دانش آموزی در درس ادبیات و هنر آمادگی و رغبت لازم را دارد اما همین دانش آموز ممکن است در درس ریاضی آمادگی لازم را نداشته باشد و دچار مشکل باشد.

بنابراین مربی موفق کسی است که در هنگام شروع درس میزان آمادگی فراگیران را ارزیابی نموده و با توجه به این نکته که میزان توفیق او و فراگیران در امر یاددهی - یادگیری به میزان آمادگی فراگیران وابسته است، کار خود را آغاز کند.



بنابراین مربی موفق کسی است که در هنگام شروع درس میزان آمادگی فراگیران را ارزیابی نموده و با توجه به این نکته که میزان توفیق او و فراگیران در امر یاددهی - یادگیری به میزان آمادگی فراگیران وابسته است، کار خود را آغاز کند.

وقتی چیزی را می آموزد که آن را با تجربیات قبلی خود ارتباط دهد، اگر این ارتباط برقرار نشود فرد نمی تواند امر تازه را واقعاً فراگیرد. جان دیویی یکی از اصول تعلیم و تربیت را اصل ادامه می داند، بر طبق این اصل هر تجربه ای تحت تأثیر تجربیات پیشین قرار دارد و به نحوی در تجربیات آینده تأثیر می کند.

بنابراین توجه به تجربیات قبلی شاگرد در مدرسه شرط اساسی موفقیت در کارهای تربیتی است، در موقع شروع کار تدریس توسط مربی او باید ابتدا تجربیات قبلی فراگیران را در نظر گیرد و با توجه به تجربه و مهارت و اطلاع فراگیران از موضوع مورد نظر نسبت به آموزش آن اقدام نماید.

۳- موقعیت یادگیری

موقعیت یادگیری عبارت است از شرایط فیزیکی و مادی و نیز روانی محلی که فراگیر تحت آن شرایط قرار است، به یادگیری بپردازد. این عوامل ممکن است فیزیکی و مادی همچون نور، هوا، طرز نشستن، وسعت محل، امکانات آموزشی و... و عوامل روانی همچون تمایل یادگیرنده، احساس و تمایل معلم، رابطه معلم و شاگرد و رابطه شاگردان با هم، زمینه های ذهنی و روانی فراگیران از مسایل خانوادگی و... باشد با توجه به جهات فوق مربی باید با توجه به امکانات موجود کلیه عوامل مادی و روانی را به گونه ای سازماندهی نماید که موقعیت یادگیری مطلوبترین شرایط را در احساس آرامش و رضایت (احساس آرامش به لحاظ تأمین زمینه های روانی و نیز رضایت فرد به لحاظ بهره گیری مناسب از امکانات مادی) به منظور بهره برداری مطلوب در یادگیری دارا باشد.

به گفته آقای دکتر شریعتمداری در کتاب روانشناسی تربیتی بعضی از روانشناسان موقعیت یادگیری را عبارت از مسئله ای می دانستند که فرد با آن روبرو می شود در این

تجربیات قبلی فرد پایه و اساس فهم و بصیرت و یادگیری او را فراهم می آورد، حتی آمادگی فرد نیز در حد وسیعی تحت تأثیر تجربیات قبلی او قرار دارد، نقش تجربه در یادگیری تا آنجا تأثیرگذار می باشد که بعضی از دانشمندان چون پیازنه تجربه را عین یادگیری می دانند و معتقدند در تعامل با محیط است که فراگیر با کسب تجربه های جدید در حقیقت به کسب معرفت و یادگیری می پردازد، جان دیویی مربی بزرگ آمریکایی نیز نقش تجربه در فرایند یادگیری را اصیل و اساسی می داند. در حقیقت تعلیم و تربیت جدید اعتقاد دارد با وجود تجربه است که فراگیر ضمن حضور فعال در امر یادگیری ضمن داد و ستد با محیط یادگیری، خود نقش اصلی و فعال را در سازماندهی اطلاعات و کسب معرفت طی می نماید. با توجه به چنین نگرشی است که امروزه در برنامه ریزی درسی مدارس، سازماندهی کتب درسی بر اساس تجارب عینی فراگیران انجام می گیرد، مثلاً در کتاب فارسی اول دبستان برخلاف گذشته که فراگیر ابتدا حروف الفبا را فرا می گرفت امروزه دانش آموز ابتدا از کلماتی چون آب، بابا، نان... که با آنها آشناست و نسبت به آنها تجربه دارد شروع می کند و پس از آشنایی با کل کلمه و یا ساخت جمله سپس با حروف آشنا می گردد. البته در این نوع سازماندهی به جز مسئله تجربه قبلی، اعتقاد به این تئوری یادگیری هم وجود دارد که فراگیر یک ساخت کلی را که مفهوم آن را درک می کند و نسبت به آن تجربه دارد (چون آب) به خوبی درک می کند و یادگیری بر این اساس بسیار مناسب صورت می گیرد. در صورتی که در نظام قدیم فراگیر ابتدا می باید حروف الفباء را طوطی وار حفظ و سپس با حروفی که درکی از آنها نداشت به نوشتن کلمات اقدام می نمود که یادگیری بسیار دشوار و با تجارب قبلی فرد نیز ارتباطی نداشت. بسیاری از روانشناسان یادگیری را شکلی از اشکال رشد می دانند، همچنان که رشد یک جریان دائمی است یعنی گذشته آن با حال و وضع فعلی آن با آینده ارتباط دارد، یادگیری نیز مانند رشد جریانی است که گذشته آن (تجربیات قبلی) پایه و اساس وضع فعلی آن را تشکیل می دهد و آنچه را که فرد در آینده می آموزد، متناسب با تجربیاتی است که در زمان حاضر بدست می آورد، فرد

معنی جریان یادگیری به صورت حل مسئله درمی آید و موقعیت یادگیری مسئله ای است که فرد با آن مواجه است و می خواهد در حل آن اقدام کند.

۴- فعالیت یادگیرنده

تعلیم و تربیت جدید برخلاف تعلیم و تربیت قدیم که نقش اصیل و اساسی را در یادگیری به عهده معلم واگذار می نمود، این نقش را به فراگیر تفویض نموده است، جان دیویی که یکی از منتقدان اصلی نظام تعلیم و تربیت قدیم می باشد عمده اشکال را در غیر فعال و غیر اصیل شمردن فراگیران در جریان یادگیری می داند، او معتقد است همه چیز باید در اختیار فراگیر قرار گیرد و او با فعالیت، تجسس و تحقیق، خود به کسب تجربه و مهارت اقدام نماید و معلم در این مسیر تنها به عنوان یک راهنما، عمل کند. پیازه نیز تجربه و تعامل فرد با محیط را عامل اصلی یادگیری می داند، روشهای یادگیری نوین همچون روش اکتشافی نیز اصالت را به فعالیت فراگیر می دهند.

بنابراین شکی وجود ندارد که با فعالیت یادگیرنده و دخالت او در جریان یادگیری و کسب یادگیری توسط خود فراگیر، کیفیت یادگیری به بالاترین حد مطلوب خود می رسد. پاره ای آزمایشات نشان داده اند یادگیریهایی که توسط فراگیران و با فعالیت عملی آنها صورت پذیرفته است پایدارتر، مطلوبتر و جریان عمل و انتقال به شرایط اجتماعی و شغلی بسیار مؤثرتر بوده است.

۵- محرک، رغبت، هدف

یادگیری نوعی رفتار به شمار می آید و بنابراین همچون سایر رفتارهای آدمی نیز به محرک احتیاج دارد.

روانشناسان معتقدند محرک رفتارهای آدمی احتیاجات اساسی او می باشد. بنابراین در یادگیری نیز می توان نیازمندیهای اساسی انسان را به عنوان محرک فرض نمود.

بعضی از روانشناسان احتیاج به بستگی و تعلق به گروه، احتیاج به ابراز خود و احتیاج به امنیت را از محرکهای اساسی در یادگیری به شمار می آورند. همچنین دسته ای از روانشناسان فعالیت را یکی از احتیاجات اساسی فرد می شناسند و تمایل فرد به حرکات بدنی، اقدام برای حل مسئله، کنجکاوی و بررسی محیط را ناشی از همین احتیاج فرض می کنند. نقش محرکها در فعالیت افراد بسیار قوی می باشد و مربی موفق کسی است که اولاً از وجود چنین محرکهایی مطلع و ثانیاً در انگیزش آنها به نفع

جریان یادگیری استفاده مفید نماید. همچنین رغبت از محرکهای اساسی در یادگیری می باشد. برای اینکه فراگیر در امر یادگیری نقش اساسی را به عهده گیرد. لازم است نسبت به موضوعی که می خواهد فراگیرد، رغبت و علاقه داشته باشد. برای این امر هم لازم نیست مربی موضوع را به شکل مصنوعی جالب توجه نشان دهد، همین قدر که موضوعات درسی با نیازهای فراگیران برخورد داشته و مسایل اساسی و واقعی را که فراگیر در محیط طبیعی و اجتماعی خود با آنها روبروست مطرح نماید، رغبت فراگیر به شکل طبیعی نسبت به این موضوعات جلب می شود طبق نظر پاره ای از روانشناسان تربیتی، انسان ذاتاً تمایل به داشتن هدف و مقصود پدیده ها و امور دارد. به عبارتی او، غایت گر است. در آزمایشهایی که روانشناسان از جمله کافکا، کهلر، ورتهایمر به انجام رسانند متوجه شدند که فراگیران ذاتاً مایلند اشکال ناتمام و حتی داستانهای ناتمام را به اتمام برسانند و البته تمایل داشتند که آنها را خوب به انجام رسانند. تحت چنین شرایطی آگاهی به هدف یک پدیده یا یک امر در یادگیری، کمک مؤثری در یادگیری آن امر می نماید. مربیانی که هدف از کار خود را در طول یک سال تحصیلی یا حتی یک ساعت درس برای فراگیران بیان می نمایند. انگیزش لازم را در حرکت آگاهانه شاگردان به منظور رسیدن به هدف مورد نظر فراهم می آورند.

۶- انتقال

کار عمده تعلیم و تربیت در موسسات تربیتی این است که فراگیران را قادر سازد تا آنچه را که در مدرسه می آموزند در برخورد با موقعیتهای تازه مورد استفاده قرار دهند. چنانچه امر انتقال صورت نپذیرد کار مدرسه و تلاش مربی عبث و بیهوده می گردد، پاره ای آزمایشها روشن نموده اند هنگامی که یادگیری واقعاً صورت می گیرد، یعنی شخص یادگیرنده بصیرت و فهم لازم را در جریان یادگیری تحصیل می نماید، موضوع انتقال به آسانی صورت می پذیرد، همچنین قدرت تعمیم و توجه و مشابهت هاد موقعیتهای مختلف و وجود عناصر مشابه در دو موقعیت در انتقال یادگیری تأثیر دارند. چنانچه مطالب و مواد درسی از تجارب عینی و اجتماعی فراگیران انتخاب شود و چنانچه روشهای یاددهی بر اساس فعالیت فرد باشد، انتقال به حداکثر می رسد، همچنین چنانچه فرد زمینه لازم در انتقال آموزشهای خود را دارا باشد. یادگیری بسیار مطلوبتر صورت می گیرد.

هر چه طرح مطالب درسی در زمینه وسیع تری قرار گیرد و مطالب جزئی به صورت ساختی هماهنگ و منظم ارائه گردند، یادگیری عمیق تر صورت می پذیرد، همچنانکه قبلا نیز اشاره گردید فراگیر حروف الفبا را در ساخت کلی کلمات و جمله های معنی دار سریع تر و مؤثرتر یاد می گیرد. جروم برونر روانشناس بزرگ معاصر یادگیری را از طریق «ساخت» امکان پذیر می داند. امروزه با اتکا به طرح مطالب درسی در یک ساخت هماهنگ در زمینه ای وسیع که جریان یادگیری را تسهیل می نماید، مریان بزرگ توصیه می کنند به جای دروس تاریخ، جغرافیا، و تعلیمات مدنی به عنوان مواد مجزا و غیر مربوطه تحت عنوان مطالعات اجتماعی در برنامه مدارس باشد.

بنابراین مربی باید سعی نماید مطالب جزئی را در یک ساخت کلی ارائه نموده و ابتدا با توجه به آن ساخت منظور و مقصود خود را از موضوع بیان نموده و پس از تفهیم و بصیرت ساخت کلی به فراگیر نسبت به توضیح جزئیات اقدام ورزد.

۸- فهم

اگر یادگیری با توجه به فهم و بصیرت صورت نپذیرد، ناپایدارتر و اثر آن در ذهن فراگیر موقتی می باشد. اگر ملاحظه می شود که بسیاری از فراگیران حتی بعد از پشت سر گذاشتن رشته های مختلف علمی تغییری در رفتار و اعمال آنها به وجود نمی آید و آنها قادر به انتقال مطالب آموزش دیده به شرایط مشابه در جامعه نمی باشند. یکی از دلایل عمده اش آن است که یادگیری آنها به صورت حفظ نمودن و بدون فهم صورت گرفته است. همچنانکه قبلا نیز اشاره شد تا زمانی که یادگیرنده خود نقش فعال در جریان یادگیری نداشته باشد و در مواجه با مشکل و مسئله خود فعالانه به تجربه با موضوع نپردازد، فهم و بصیرت حاصل نمی گردد. در حقیقت یادگیری نتیجه مؤثر فهم و بصیرت از یک موضوع یا پدیده می باشد.

منابع:

- ۱- کاربرد روانشناسی در آموزش اثر بیلر ترجمه دکتر پروین کدیور
- ۲- روانشناسی تربیتی، دکتر علی شریعتمداری
- ۳- روانشناسی پرورشی، دکتر علی اکبر سیف
- ۴- جامعه و تعلیم و تربیت، دکتر علی شریعتمداری
- ۵- نظریه های یادگیری و آموزشی دکتر محمد پارما
- ۶- پنج گفتار روانشناسی از ژان پیاژه، ترجمه نیک چهره محسنی

* وارستگی و خلوص در نماز

یکی از علمای وارسته که معاصر شیخ بهایی و علامه مجلسی بود، علامه عزالدین مولی عبدالله بن حسین شوشتری است که در محرم سال ۱۰۲۱ هجری قمری از دنیا رفت، و مرقد شریفش در کربلا است، از وارستگیهای او اینکه:

روزی برای دیدار شیخ بهاء الدین عاملی معروف به شیخ بهایی، که در اصفهان سکونت داشت، به خانه او رفت، ساعتی در حضور شیخ بهایی نشست، تا اینکه صدای اذان ظهر را شنیدند.

شیخ بهایی به مولی عبدالله گفت: شما همین جا نماز را به جماعت بخوانید و ما اقتدا کنیم و به فیض جماعت برسیم. مولی عبدالله لحظه ای تأمل کرد و سس برخاست و خدا حافظی نمود و به خانه اش بازگشت.

بعضی از دوستان از او پرسیدند: «با اینکه شما اهمیت بسیار به نماز اول وقت می دهید، چرا پاسخ مثبت به شیخ بهایی ندادی؟» در پاسخ گفت: به نفس خود مراجعه کردم، دریافتم در صورتی که امام جماعت شوم و شیخ بهایی (با آن مقام ارجمند) به من اقتدا کند، مطمئن نیستم که نفسم، تغییر پیدا نکند (و از آرامش به تباهی، هر چند کم، کشانده نشود) از این روراضی نشدم که نماز جماعت را در منزل شیخ بهایی بخوانم.

نکته عجیب دیگر در مورد این عالم بزرگ و وارسته اینکه: پس از آنکه از کربلا به اصفهان آمد، همه طلبه های اصفهان پیش از پنجاه نفر نبودند، ولی با اینکه ایشان بیش از چهارده سال در اصفهان نبود، هنگام مرگ، بیش از هزار نفر از طلبه های فاضل اصفهان همراه سایر مردم، جنازه او را تشییع نمودند. و این مرد وارسته و بزرگ نقش اساسی در تربیت شاگرد و افزایش طلاب داشت.

حسن کشفی ارشاد

نماز؛ گفته ها و نکته ها